

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 99/08/04

موضوع: جلسات «عیدالزهاء» یا سرپیچی از دستورات ائمه اطهار (علیهم السلام)

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این برنامه:

جلسات «عیدالزهاء» یا سرپیچی از دستورات ائمه اطهار (علیهم السلام)

چگونگی به امامت رسیدن حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

آیا خلافت بعد از پیامبر، حق امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بود!؟

تماس بینندگان برنامه

تفاوت «لعن» و «سب» در آموزه های مکتب تشیع چیست؟

آیا علمای شیعه معتقد به کفر اهل سنت هستند!؟

آیا «یا علی» گفتن، شرک است!؟

مجری:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله

الطاهرین

قیامتی است گمانم قیامت مهدی است

جهان محیط وسیع کرامت مهدی است

زمان، زمان شروع زعامت مهدی است

غدير دوم شيعه امامت مهدی است

بشارت آمده بهر بشر مبارک باد

شب فراق سحر شد سحر مبارک باد

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

خدا را شکر می‌کنیم که در این شب عزیز این افتخار را داریم که در شبکه‌ای که به نام نامی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هست، مهمان دیدگان پرفروغ شما باشیم و برنامه «حبل المتین» را تقدیم نگاه‌های مهربانتان کنیم.

به رسم برنامه «حبل المتین» در محضر استاد بزرگوار حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم. سلام  
علیکم و رحمة الله؛

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این گیتی پهناور  
بیننده این برنامه هستید یا تکرار برنامه را می‌بینند، خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و موفقیت بیش از  
پیش برای همگان آرزو می‌کنم.

آغاز امامت و ولایت مولایمان حضرت بقية الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) را به همگان تبریک عرض  
می‌کنم.

خدا را به آبروی مادرشان حضرت صدیقه طاهره سوگند می‌دهیم عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم قرار بدهد و همه ما و شما گرامیان را از یاران خاص و سربازان فداکار آن بزرگوار قرار بدهد، ان شاءالله.

### مجری:

ان شاءالله. حاج آقا رسم برنامه این بود که خطبه دوم «نهج البلاغه» را تکمیل کنیم. قبل از آن ممکن است برای بسیاری از بینندگان عزیز این سؤال پیش آمده باشد و زمزمه‌ها و سؤالاتی از روزها و حتی جلسه گذشته راجع به همین موضوع مطرح شده باشد.

این ایام نهم ربیع و ایامی که در آن قرار داریم، یک سری برنامه‌هایی برگزار می‌شود که بینندگان عزیز با جزئیات آن بیشتر مطلع هستند.

بالاخره کسی که می‌خواهد این حرکت را انجام دهد و این مراسم را برگزار کند، با این دید این کار را انجام می‌دهد که ما می‌خواهیم به خاطر رضایت اهلیت این کار را انجام دهیم.

بفرمائید اهلیت (علیهم السلام) نسبت به اینطور برنامه‌ها و اینطور جریان‌ها چه فرمایشاتی داشتند؟!

شیعیان و محبان حقیقی که حقیقتاً خودشان دلباخته اهلیت هستند، طبیعتاً می‌خواهند با توجه به آن چیزی که اهلیت (علیهم السلام) امر فرمودند این کار را انجام دهند. دستورات اهلیت را به ما بفرمایید.

**جلسات «عیدالزهار» یا سرپیچی از دستورات ائمه اطهار (علیهم السلام)**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة  
على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء  
الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و این ایام را خدمت همه بینندگان عزیز،  
تبریک عرض می‌کنیم. در این رابطه چند نکته وجود دارد که بنده در جلسه گذشته هم به آنها اشاره کردم.

تعدادی از شیعیان روی عشق و علاقه‌ای که به حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) و حضرت ولی عصر  
دارند، «نهم ربیع» را به عنوان قتل خلیفه دوم جشن می‌گیرند و جلساتی برگزار می‌کنند که شاید دور از شأن  
یک شیعه است.

آن‌ها به گفتن بعضی از اشعار نادرست و عبارتهایی که دارای فحش‌های رکیک هست می‌پردازند و آنها را  
مطرح می‌کنند. قطعاً حضرت صدیقه طاهره و ائمه اطهار (علیهم السلام) به این کار راضی نیستند. قرآن کریم  
نسبت به بت پرستان می‌فرماید:

**(وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ)**

(معبود) کسانی را که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید مبادا آنها (نیز) از روی ظلم و جهل خدا را  
دشنام دهند.

**سوره انعام (6): آیه 108**

ائمه اطهار (علیهم السلام) هم همین نظر را دارند. در کتاب «الإعتقادات» اثر «مرحوم شیخ صدوق» با شرحی از  
«شیخ مفید» روایتی در این زمینه آمده است.

زمانی که روایتی در کتاب «الإعتقادات» می‌آید، مشخص است که قنطره‌ها و پل‌های رجالی را گذرانده است. در روایت آمده است:

«وَقِيلَ لِلصَّادِقِ- عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يَغْلُنُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ يَسْمِيهِمْ»

افرادی به امام صادق خبر دادند: یابن رسول الله! ما در مسجد فردی را مشاهده می‌کنیم که آشکارا به دشمنان شما دشنام می‌دهد و آنها را نام می‌برد.

«فَقَالَ: «مَا لَهُ- لَعْنَةُ اللَّهِ- يَغْرِضُ بِنَا»

امام صادق فرمود: چه مرضی دارد؟ لعنت خدا بر او باد! با این کارش زبان دشمنان را علیه ما باز می‌کند.

إعتقادات الإمامية (للصدوق)، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص 107، باب الاعتقاد فی التقیة

حضرت سپس آیه شریفه: (وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ) را قرائت فرمودند.

این روایت برای ما روشن می‌کند که روش و سیره اهل بیت چه بوده است. در کتاب «نهج البلاغه» خطبه 206 نسبت به معاویه و اهل شام فرمایشی از قول امیرالمؤمنین مطرح شده است.

آن‌ها جنگ تمام عیار علیه امیرالمؤمنین را آغاز کردند و در حقیقت دشمن محارب هستند. یاران امیرالمؤمنین برای کشتن حضرت شمشیر کشیدند. ما دشمنی از این واضح‌تر می‌توانیم داشته باشیم؟! آن‌ها دشمن‌ترین دشمن هستند و پیغمبر اکرم هم فرمودند:

«حربك يا علي حربي ، وسلمك سلمى»

یا علی! جنگ با تو جنگ با من و صلح با تو صلح با من است.

شرح نهج البلاغة، نویسنده: ابن أبي الحديد، وفات: 656، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهيم، ناشر:

مؤسسة إسماعيليان للطباعة والنشر والتوزيع؛ ج 13، ص 193

تعدادی از اصحاب صفین شروع به ناسزا گفتن به معاویه و مردم شام کردند؛ امیرالمؤمنین فرمودند:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّائِينَ»

من دوست ندارم شما دشنام دهنده باشید.

«وَلَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ كَانَ أَضَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَ أَبْلَغَ فِي الْعُذْرِ»

ولی اگر در گفتارتان کردار آنان را وصف کنید و حالشان را بیان نمایید به گفتار ثواب نزدیکتر و در مرتبه عذر رساتر است.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 323، خ

206

روایتی در کتاب «کافی» وارد شده است. بنده این روایت را هم عرض می‌کنم و مباحث خود را ادامه می‌دهیم.  
در کتاب «کافی» جلد دوم صفحه 636 وارد شده است که «معاویه بن وهب» یکی از اصحاب مورد اعتماد امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که به حضرت عرضه داشتم:

«كَيْفَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَضَعُ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا وَ بَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ مِمَّنْ لَيْسُوا عَلَيَّ أَمْرِنَا»

چگونه باید با خود و قوم خود و کسانی از اهل سنت که با آنها معاشرت داریم، اما بر ولایت شما همانند ما نیستند رفتار کنیم؟

«خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ» هم شامل اهل سنت می‌شود، هم شامل مسیحیان می‌شود و هم شامل کسانی غیر از مذهب شیعه می‌شود که داریم با آنها زندگی می‌کنیم.

«قَالَ تَنْظُرُونَ إِلَىٰ أَيْمَتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَضَعُونَ مَا يَضَعُونَ»

حضرت فرمود: به امامان خود، کسانی که به آنها اقتدا می‌نمایید نظر کنید و هرکاری آن‌ها کردند شما نیز چنین کنید.

«قَالَ اللَّهُ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرَضَاهُمْ وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ يَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ يُوَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ»

به خدا سوگند که امامان شما بیماران آنها را عیادت می‌کنند و در تشییع جنازه‌شان حاضر می‌شوند و به نفع و ضرر آنها گواهی می‌دهند و امانت را به آنها بازمی‌گردانند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 2، ص 636، ح 4

این روش ائمه اطهار (علیهم السلام) است. آیا واقعاً ما شیعیان امروز این روش را داریم یا نداریم؟! ما اصلاً کاری نداریم که اهل سنت از ما خوششان می‌آید یا خوششان نمی‌آید. ما کاری نداریم مسیحیان یا اقلیت‌های دینی از ما خوششان می‌آید یا خیر!

ما تابع امامان خود هستیم. ما می‌بینیم ائمه ما به ما چه دستوراتی می‌دهند تا دستورات آن بزرگواران را پیاده کنیم. دستورات ائمه اطهار هم منطبق با عقل و فطرت است.

روایت بعدی از قول «زید شحام» است. روایت صددرصد صحیح است و تمام راویان آن ثقة هستند. در روایت آمده است که امام صادق می‌فرماید:

«أَفْرَأُ عَلَى مَنْ تَرَى أَنَّهُ يَطِيعُنِي مِنْهُمْ وَ يَأْخُذُ بِقَوْلِي السَّلَامِ»

به آن دسته از شیعیانی که از من اطاعت می‌کنند و حرف مرا قبول دارند سلام برسان.

معلوم می‌شود زمان ائمه اطهار هم افرادی از شیعیان بودند که سخنان ائمه اطهار را قبول نداشتند.

«صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُوذُوا مَرْضَاهُمْ وَ أَدُّوا حُقُوقَهُمْ»

با خویشان خود رابطه داشته باشید، بر جنازه آنها حاضر شوید، بیمار آنها را عیادت کنید و حقوق آنها را به جای آورید.

«فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِي»

هنگامی که کسی از شما در دینش راست گفتار و پرهیزکار باشد و امانتداری کند و با مردم خوش اخلاق باشد در مورد او می‌گویند که او جعفری و منسوب به امام جعفر صادق است.

«فَيَسُرُّنِي ذَلِكَ وَ يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السُّرُورُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ»

این گفته باعث شادمانی من است و آن کس سبب سرور من است و گفته می‌شود این روش نیکو و ادب امام جعفر صادق است.

«وَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بَلَاؤُهُ وَ عَاذُهُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ»

اما اگر کسی از شما طور دیگری باشد، ناراحتی و عیب و عار آن بر من وارد می‌آید و می‌گویند که این طرز برخورد امام جعفر صادق است.



الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 2،

ص 636، ح 5

این روایات همگی نشانگر این است که ما باید دقت کنیم آنچه وظیفه ما هست و دستور ائمه اطهار هست را رعایت کنیم.

به عنوان مثال «مرحوم علامه مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد سوم صفحه 57 روایتی نقل شده است. در روایت آمده است که «مفضل» می‌گوید من با «ابن ابی العوجاء» بحث می‌کردیم.

لازم به ذکر است که «ابن ابی العوجاء» مرتد و لائیک بود. او اصلاً معتقد به خداوند نبود، چه رسد به اینکه معتقد به شیعه و اسلام باشد.

«مفضل» نقل می‌کند که من در بحث با او قدری تند رفتم. «ابن ابی العوجاء» به من گفت:

«وَإِنْ كُنْتَ مِنْ أَصْحَابِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ فَمَا هَكَذَا يَخَاطِبُنَا وَلَا بِمِثْلِ دَلِيلِكَ يَجَادِلُنَا»

اگر تو از یاران جعفر بن محمد الصادق هستی، بدان که وی با ما چنین سخن نمی‌گوید و با چنین دلیل‌هایی گفتگو نمی‌کند.

اگر تو اصحاب امام صادق هستی، حضرت اینطور با ما برخورد تند نمی‌کند و همانند تو جدل‌های بی معنا با ما انجام نمی‌دهند.

«وَلَقَدْ سَمِعَ مِنْ كَلَامِنَا أَكْثَرَ مِمَّا سَمِعْتَ فَمَا أَفْحَشَ فِي خِطَابِنَا وَلَا تَعَدَّى فِي جَوَابِنَا»

او گاهی بالاتر از این چیزها را از ما می‌شنود، اما هرگز دیده نشده است که از کوره در برود و با ما تندی کند و دشنام دهد.

«وَإِنَّهُ لِلْخَلِيمِ الرَّزِينِ الْعَاقِلِ الرَّصِينِ لَا يَغْتَرِيهِ خُرْقٌ وَلَا طَيْشٌ وَلَا نَزَقٌ»

امام صادق با کمال بردباری سخنان ما را می‌شنود و صبر می‌کند تا آنچه را که می‌خواهیم بگوییم.

«و يَسْمَعُ كَلَامَنَا وَ يَضِغِي إِلَيْنَا وَ يَسْتَعْرِفُ حُجَّتَنَا حَتَّى اسْتَفْرَعْنَا مَا عِنْدَنَا وَ ظَنَّنَا أَنَّا قَدْ قَطَعْنَا»

در مدتی که ما اشکالات و دلایل خود را ذکر می‌کنیم امام صادق آنچنان ساکت و آرام است و با دقت گوش می‌کند که گمان می‌بریم در برابر اندیشه ما تسلیم شده است.

«أَدْحَضَ حُجَّتَنَا بِكَلَامٍ يَسِيرٍ وَ خِطَابٍ قَصِيرٍ يُلْزِمُنَا بِهِ الْحُجَّةَ وَ يَقْطَعُ الْعُذْرَ وَ لَا نَسْتَطِيعُ لِحُجَّتِهِ رَدًّا»

آنگاه با مهربانی پاسخ سخنان ما را می‌دهد و با جمله‌هایی کوتاه و پرمغز چنان راه را بر ما می‌بندد که قدرت فرار از ما سلب می‌شود.

«فَإِنْ كُنْتَ مِنْ أَضْحَائِهِ فَخَاطِبُنَا بِمِثْلِ خِطَابِهِ»

اگر تو اصحاب امام صادق هستی، با ما آنگونه سخن بگو.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 3،

ص 58، ح 1

بنابراین عزیزان شیعه ما نمی‌خواهیم بگوییم شما در ولایت و تولی و تبری کوتاه بیایید. به تعبیر یکی از مراجع عظام تقلید، اگر تبری نباشد، تولی معنا ندارد.

ولی تبری به این معنا نیست که ما در مسجد یا بالای منابر یا در شبکه ماهواره‌ای شروع به فحاشی و ناسزاگویی و ایجاد اختلاف و فتنه کنیم تا شیعه را در برابر گلوله‌های مخالفین قرار دهیم و سبب شود که شیعه را ذبح کنند.

قطعاً ائمه اطهار (علیهم السلام) به این کار راضی نیستند. بحث تولی و تبری قلبی است و لازم نیست شما آن را به زبان بیاورید. ائمه اطهار (علیهم السلام) در این زمینه توصیه‌های زیادی به ما کرده‌اند و روششان در این زمینه کاملاً روشن است.

بنده بارها به آقایانی که قدری تندروی می‌کنند، می‌گویم که یک روایت صحیح از امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) به ما نشان بدهید که به این کار سفارش کرده باشند. در حقیقت عمده روایات ما از این بزرگواران است.

شما یک روایت صحیح به ما نشان بدهید که امام باقر و امام صادق در مسجد بالای منبر یا در میان شیعیان یا حتی شیعیان نسبت به مقدسات غیر شیعه ناسزا بگویند و فحش بدهند.

اگر روایتی هست به ما نشان بدهید، زیرا ما تابع اهل بیت هستیم. اهل بیت هرچه بفرمایند ما قبول می‌کنیم و در برابر فرمایش ائمه اطهار تسلیم هستیم.

حال یک روایت ضعیف و روایتی که سروته ندارد و ساخته و پرداخته دشمنان اهل بیت است، نباید ما را به این کار وادارد. در کتاب «عیون أخبار الرضا» صفحه 304 روایت مفصلی نقل شده است که امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید:

تعدادی از دشمنان ما احادیثی در سب و لعن مقدسات اهل سنت وضع و جعل می‌کنند و در میان مردم منتشر می‌کنند. مردم وقتی این روایات را می‌شنوند، تصور می‌کنند که ما این احادیث را گفتیم!

«إِنَّ مُخَالِفِينَ وَضَعُوا أَخْبَاراً فِي فَضَائِلِنَا وَجَعَلُوهَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ»

به راستی مخالفان ما روایاتی در مورد فضائل ما اهل بیت جعل کرده‌اند. این روایات جعلی سه گونه‌اند؛

«أَحَدُهَا الْغُلُوُّ وَثَانِيهَا التَّفْصِيحُ فِي أَمْرِنَا وَثَالِثُهَا التَّضْرِيحُ بِمِثَالِبِ أَعْدَائِنَا»

گونه اول غلو در مورد اهل بیت است، گونه دوم کوتاهی در امر ماست و گونه سوم بیان صریح معایب و بدی‌های دشمنان ماست.

**«فَإِذَا سَمِعَ النَّاسَ الْغُلُوَّ فِينَا كَفَرُوا شِيعَتَنَا وَ نَسَبُوهُمْ إِلَى الْقَوْلِ بِرُبُوبِيَّتِنَا»**

وقتی مردم روایات غلوآمیز پیرامون ما را می‌شنوند، شیعیانمان را تکفیر می‌کنند و آنان را متهم می‌سازند که معتقد به ربوبیت ما هستند.

**«وَ إِذَا سَمِعُوا التَّقْصِيرَ اعْتَقَدُوهُ فِينَا»**

و وقتی روایاتی را که در مورد ما کوتاهی شده است می‌شنوند، در مورد ما همان قدر معتقد خواهند بود.

**«وَ إِذَا سَمِعُوا مَثَالِبَ أَغْدَائِنَا بِأَسْمَائِهِمْ تَلَبَّوْنَا بِأَسْمَائِنَا»**

و هنگامی که بدی دشمنانمان را با ذکر نامشان می‌شنوند، ما را با ذکر ناممان به بدی یاد می‌کنند.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی،

ج 1، ص 304، ح 63

لذا خداوند متعال در سوره مبارکه انعام آیه 108 می‌فرماید:

**(وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ)**

بنابراین ما باید قدری دقت کنند. بنده بارها گفتم شکی نیست که شرکت در جلساتی که به نام عیدالزهراء می‌گیرند و به مخالفین شیعه یا مقدسات اهل سنت فحش و ناسزا می‌گویند حرام است. شما از هر مرجعی که سؤال کنید، همین عقیده را دارد.

در این جلسات ناسزا می گویند و بعضی از اشعار وقیح و عبارت‌های نادرست بیان می‌کنند. شما از هر مرجعی استفتاء کنید، همگی فتوا به حرمت شرکت در این جلسات دارند.

شما جلساتی بگذارید که فضائل اهل بیت (علیهم السلام) را بگویید و مظلومیت ائمه اطهار را مطرح کنید و آنچه از اهل بیت در فضائلشان یا غصب خلافت و حقوقشان را بیان کنید. کسی با این کار مخالف نیست.

شما فضائل اهل بیت (علیهم السلام) را بگویید و آن حق غصب شده آنها را مستدل از زبان ائمه اطهار (علیهم السلام) مطرح کنید. کسی با این کار مخالف نیست و ائمه اطهار هم آنها را بیان کردند.

آنچه ما با آن مخالف هستیم فحش و ناسزا و اهانت و ایجاد فتنه در میان امت اسلامی است.

### مجری:

بسیار خوب. خیلی مستدل و الحمدلله همه بینندگان هم دیدند اگر واقعاً قرار است که بگوییم مقتدای ما ائمه اطهار هستند، طبیعتاً باید به فرمایشات و عمل و سیر و منش آن بزرگواران اقتدا کنیم.

حضرت استاد هم از مصادر به تمامی شما نشان دادند و همه ما با هم دیدیم چنین مصادر و چنین مطالبی که اهل بیت (علیهم السلام) خود چگونه برخورد می‌کردند و فرمایششان چه بوده است. ان شاءالله که همه ما بتوانیم تابع حقیقی باشیم.

تا بخواهیم به موضوع اصلی برگردیم، یک میان برنامه ببینیم و ان شاءالله برمی‌گردیم و در محضرتان خواهیم بود.

عرض سلام مجدد دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی حضرت ولی عصر».

تا اینجای برنامه منش اهل بیت را از حضرت استاد دیدیم و شنیدیم در رابطه با اینکه مسئله‌ای که این روزها مطرح می‌شود و مبتلا به بسیاری از ما هم ممکن است باشد چه حکمی دارد و چطور عمل کنیم که اهل‌بیتی باشیم.

در خصوص چنین شبی که بالاخره آغاز امامت امام زمان (ارواحنا فداه) است، سؤالاتی را از حضرت استاد بپرسیم.

اگر امکان دارد تشریح کنید تا ببینیم با توجه به اینکه در آن زمان این داستان‌هایی که بوده در چه شرایطی بوده است نسبت به امام حسن عسکری در روایات ذکر شده است و بعد از آن حضرت بقية الله الأعظم امامت را به چه طریق به دست گرفتند؟!

**چگونگی به امامت رسیدن حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

تمام محدثین از شیعه و اهل سنت از رسول گرامی اسلام در رابطه با حضرت مهدی (ارواحنا فداه) روایات متعددی نقل کرده اند مبنی بر اینکه از فرزندان امام هادی و امام حسن عسکری (علیهم السلام) هست. حکومت عباسی (لعنهم الله اشد اللعن و عذبهم الله اشد العذاب) ائمه اطهار (علیهم السلام) را در فشار شدید قرار داده بودند.

امام هادی و امام حسن عسکری نه تنها زندانی بودند، بلکه زندانی نظامی بودند؛ به طوری که حکومت، آن بزرگواران را در داخل ارتش زندانی کرده بودند.

حضرات معصومین در زندان‌های عمومی و زندان‌های سیاسی عادی نبودند و تمام رفت و آمدها را با آنها کاملاً محدود کرده بودند.

ماجرای بعد از شهادت امام حسن عسکری داستان مفصلی است که آقایان در کتاب‌ها نقل کردند. «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «کمال الدین» جلد اول صفحه 319 قضیه را مفصل مطرح می‌کند و می‌گوید: حاکم طاغوت دستور داد تمام زندگی امام حسن عسکری را تفتیش کردند. تمام تلاش آنها این بود که حضرت را بکشند و حضرت ولی عصر را در کودکی از بین ببرند.

بازهم در کتاب «کمال الدین» صفحه 317 حدیث دوم آمده است: حکومتیان به دنبال این بودند که میراث امام حسن عسکری را تقسیم کنند.

«مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» جلد اول صفحه 503 تا 506 روایت مفصلی در خصوص «احمد بن عبیدالله بن خاقان» آورده است که می‌گوید: او شدید‌النصب بود.

آن‌ها تمام تلاش خود را به کار بردند که نسبت به فرزند امام حسن عسکری جستجو کنند و او را دستگیر کنند و حضرت را بکشند.

بعد از اینکه آنها موفق نشدند، اموال امام حسن عسکری (علیه السلام) را بین مادرشان و «جعفر» برادر حضرت که مشهور به «جعفر کذاب» بود، تقسیم کردند.

«جعفر» نزد حاکم رفت و گفت: اگر مرا به عنوان امام معرفی کنید، من هر سال بیست هزار دینار به شما می‌دهم. منظور او این بود که از وجوهات شیعیان سالی بیست هزار سکه به شما می‌دهم. حاکم به او گفت:

«يَا أَحْمَقُ السُّلْطَانُ جَرَّدَ سَيْفَهُ فِي الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّ أَبَاكَ وَ أَخَاكَ أَيْمَّةٌ لِيُرِدَّهُمْ عَنْ ذَلِكَ فَلَمْ يَتَّهَبِ لَهُ ذَلِكُ»

ای احمق! حاکم شمشیر خود را برهنه کرده و به دنبال این است کسانی که پدر و برادرت را امام می‌دانند قلع و قمع کند. حال تو انتظار داری سلطان تو را امام معرفی کند؟

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

ص 505، ح 1

جالب اینجاست که «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «کمال الدین» جلد دوم صفحه 475 از قول «ابو الادیان» قضیه را نقل می‌کند که مربوط به امروز غروب هست.

او نقل می‌کند زمانی که امام حسن عسکری (علیه السلام) از دنیا رفت، ما جنازه آن حضرت را برای نماز خواندن آماده کرده بودیم. مشاهده کردیم «جعفر» برادر حضرت آمد و شیعیان هم اطراف او هستند.

«فَقُلْتُ فِي نَفْسِي إِنَّ يَكُنْ هَذَا الْإِمَامُ فَقَدْ بَطَلَتِ الْإِمَامَةَ»

با خودم گفتم: اگر امام بعدی جعفر باشد، دیگر امامت باطل شده است.

ائمه اطهار (علیهم السلام) طوری زندگی کرده بودند و طوری برخورد داشتند که دشمنانشان هم حتی کوچکترین نقطه ضعفی در زندگی آن بزرگواران پیدا نکردند.

اگر دشمنان نقطه ضعفی پیدا کرده بودند، آن‌ها را در بوق و کرنا می‌کردند. در مقابل، «جعفر» اهل تنبک و شراب بود!

خلاصه زمانی که امام حسن عسکری (علیه السلام) کفن شد، بعضی از شیعیان به «جعفر» پیشنهاد دادند که برای نماز خواندن بیاید. راوی نقل می‌کند که ما قلبمان به تپش درآمده بود و دلهره داشتیم. یک مرتبه زمانی که «جعفر» می‌خواست تکبیر بگوید؛

«خَرَجَ صَبِيٍّ بِوَجْهِهِ سُمْرَةٌ بِشَعْرِهِ قَطَطٌ بِأَسْنَانِهِ تَفْلِيحٌ فَجَبَذَ بِرِذَائِ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ»

مشاهده کردیم آقازاده‌ای وارد شد که سیمای نورانی و موهای فروری با دندان‌های فاصله دار از همدیگر همانند قرص قمر وارد شد و رداء جعفر بن علی را گرفت و کنار زد.



«وَقَالَ تَأَخَّرَ يَا عَمُّ فَأَنَا أَحَقُّ بِالصَّلَاةِ عَلَى أَبِي»

و فرمود: عمو برو کنار! من سزاوار نماز خواندن بر پدرم هستم.

«فَتَأَخَّرَ جَعْفَرٌ وَقَدْ اِزْبَدَ وَجْهُهُ وَ اَصْفَرَ»

جعفر کنار رفت در حالی که صورتش از شدت ناراحتی و ترس زرد شده بود.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج

2، ص 475، ح 24

ما شیعیان قانون کلی داریم که می‌فرماید: «الإمام لا يغسله إلا الامام و لا يصلیه علیه إلا الامام». یکی از نشانه‌های امام این است که نماز بر امام قبل را باید بخواند. این قانونی کلی است و یکی از ضروریات فقه شیعه است.

بنده در ذهن دارم شاید هفده یا هجده سال قبل در مجله حوزه علمیه شماره 70 یا 71 یکی از آقایان بحث «الإمام لا يغسله إلا الامام و لا يصلیه علیه إلا الامام» را زیر سؤال برده بود.

دوستان به ما اطلاع دادند و ما جوابی بسیار محکم در مجله بعدی به شماره 72 نوشتیم و در آنجا از منابع شیعه با ادله محکم و متقن ثابت کردیم که نماز بر امام باید توسط امام خوانده شود. نماز بر معصوم حتماً باید توسط معصوم خوانده شود.

زمانی که حضرت سیدالشهدا در کربلا به شهادت رسیدند بنی‌آسد می‌خواستند شهدای کربلا را دفن کنند، اما نمی‌توانستند. یک موقع آقای آمد و فرمود: شما کنار بروید، من بدن مطهر شهدا را می‌شناسم.

در روایات صحیح مطرح شده است که امام سجاد بدن مطهر شهدای کربلا را به خاک سپردند. بنده در فرصتی مناسب این روایات را به طور مفصل از منابع و کتب فقهی شیعه مطرح می‌کنم.

در روایات آمده است که امام سجاد (علیه السلام) از زندان عبیدالله بن زیاد با طی الأرض به کربلا آمدند و بر بدن پدر بزرگوارشان نماز خواندند.

همچنین زمانی که حضرت موسی بن جعفر به شهادت رسیدند در بغداد بودند، اما امام رضا در مدینه بودند. امام رضا با طی الأرض می‌آیند و بر بدن مطهر امام کاظم نماز می‌خوانند.

امام رضا در طوس شهید شده است، در حالی که امام جواد در مدینه بودند. امام جواد از مدینه با طی الأرض آمدند و بر بدن پدر بزرگوارشان نماز می‌خوانند.

امام حسن عسکری هم که مثل امروز غروب از دنیا رفتند، افراد زیادی امثال «جعفر کذاب» به دنبال این بودند که بر بدن مطهر آن حضرت نماز بخوانند. طبق این قانون ثابت در فقه و اعتقادات شیعه، نماز بر معصوم باید توسط معصوم صورت بگیرد.

زمانی که حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) به شهادت رسیدند، حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خودشان بر بدن مطهر دختر رسول الله نماز خواندند و آن بزرگوار را دفن کردند.

ان شاء الله زمانی که به این مباحث رسیدیم، عرض خواهیم کرد که امیرالمؤمنین در کتاب «نهج البلاغه» بارها فرمودند: من این ظلم‌ها را تحمل می‌کنم مادامی که تنها من مورد ظلم قرار بگیرم و دین و شریعت محفوظ بماند.

یکی از مباحثی که ما ان شاء الله در کتاب «نهج البلاغه» خواهیم داشت، این است که امیرالمؤمنین که خود را محق می‌دانستند و خلافت را حق مسلم خود می‌دانستند، به فکر گرفتن حق و قیام بودند.

ما این قضیه را از منابع شیعه و سنی مخصوصاً از کتاب «نهج البلاغه» اثبات خواهیم کرد. حضرت صورت‌های قبری در بقیع درست کرده بودند و بنا به نقلی حضرت در آن شب چهل صورت قبر درست کرده بودند.

خلیفه دوم گفتند: ما به بقیع می‌رویم، نبش قبر می‌کنیم و جنازه دختر رسول الله را بیرون می‌آوریم. ما باید بر جنازه دختر رسول الله نماز بخوانیم، زیرا ما خلیفه هستیم.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دستمال قرمزی که هنگام غضب و بحران جنگ‌ها به سر می‌بستند را بستند، شمشیر برهنه کردند و آمدند و فرمودند: اگر کوچکترین حرکتی انجام دهید، تمام شما را قتل عام می‌کنم!

آن‌ها که این حالت حضرت را دیدند، عقب رفتند. ابوبکر گفت: این کار را رها کنید. با این وضعی که علی بن ابی طالب آمده است، کسی نمی‌تواند در برابر او مقاومت کند.

معصوم باید بر جنازه معصوم نماز بخواند. لذا در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» روایاتی در این خصوص آمده است.

در کتاب «صحیح مسلم» جلد 7 صفحه 171 حدیث 6202 و در کتاب «صحیح بخاری» جلد چهارم صفحه 83 حدیث 4041 و 4042 به صراحت نقل کرده است که امیرالمؤمنین بر بدن مطهر حضرت صدیقه طاهره نماز خواندند و به خلیفه اول خبر نداد.

بنابراین در چنین موقعیتی مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) حضور پیدا کردند و بر جنازه پدر بزرگوارشان نماز خواند و امامت خودشان را برای شیعیان اثبات کردند. حضرت به صراحت اثبات کردند که امام من هستم، نه «جعفر کذاب»!

بنابراین این هم از خاطرات امروز حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) هست. جالب اینجاست که در روایت نقل شده است حکومتیان منزل امام حسن عسکری را تفتیش کردند و تمام زنانی که احتمال می‌دادند باردار باشند را بازرسی کردند.

بعد از آن گفته شد کنیزی در آنجاست که احتمال باردار بودن او وجود دارد. حکومتیان او را مدتی نگهداشتند و بعد از اینکه معلوم شد اثر بارداری در او نیست، او را رها کردند.

بعضی نقل کرده‌اند که ایشان «نرجس خاتون» بود که مدتی در زندان حاکم عباسی بود و بعضی دیگر گفته‌اند کنیز دیگری بوده است.

شیعه در غیبت صغری مخصوصاً آغاز غیبت صغری با مشکلات عدیده‌ای مواجه بودند، اما خداوند عالم شتر اشرا را به خودشان برگرداند و ولی و حجتش را حفظ کرد.

چهار نفر نواب خاص حضرت تا آغاز غیبت کبری که سال 328 هجری بوده است، رابط میان شیعیان و حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) بودند.

### مجری:

بسیار عالی و خوب. الحمدلله به مناسبت این شب عزیز هم الحمدلله این یاد و ذکری از همین مناسبت شد. بسیار از محضرتان تشکر می‌کنیم. یک میان برنامه می‌بینیم و ان شاءالله بعد از آن در خدمتتان خواهیم بود.

قیامتی است گمانم قیامت مهدی است

جهان محیط وسیع کرامت مهدی است

حرم رسانه آوازه انا المهدی است

جهان پر از سخن تازه انا المهدی است

جهانیان همگی در کنار یاری کنید

دل خزان زده خویش را بهاری کنید

ان شاءالله که بتوانیم از مریدان حقیقی و سربازان حقیقی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشیم.

حال هرچند فرصت کوتاه است، اما ورودی به اصل مبحث خودمان داشته باشیم و بعد از آن در خدمت شما عزیزان باشیم با تماس‌هایی که می‌گیرید و پیام‌هایی که فرستادید.

هم اکنون راه‌های ارتباطی در اختیار شما هست و برایتان چنین امکانی وجود دارد که پیام خود را بگذارید یا اینکه سؤال خودتان را به صورت صوتی برای ما بفرستید.

حضرت استاد! ما در بحث اصلی که در جلسات پیش داشتیم، این چهارده نکته از خطبه دوم «نهج البلاغه» مطرح شد و بسیار هم قابل استفاده بود و این دوره امام شناسی که الحمدلله مطرح می‌شد بسیار قابل بهره‌مندی بود و استفاده کردیم.

ما در بیان مباحث خود بعد از ذکر و توضیح چهارده ویژگی از خطبه دوم «نهج البلاغه» به فراز:

**«الآنِ إِذْ رَجَعَ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ وَ نُقِلَ إِلَى مُنْتَقَلِهِ»**

الآن حق به حقدار رسید و حقیقت به جایگاه اصلی خود منتقل گشت.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 47، خ 2

رسیدیم. حضرتعالی نسبت به این فراز که اصلاً مراد از «الْحَقُّ» در اینجا چیست، شروعی بفرمایید و بعد از آن سریعاً به مخاطبینمان برسیم.

**آیا خلافت بعد از پیامبر، حق امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بود؟**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ما خطبه دوم که یکی از خطبه‌های عمیق در رابطه با این است که خلافت و ولایت ما خلافت الهی است را چهارده بخش کردیم.

بخش‌های سیزدهم و چهاردهم «و لَهُمْ حَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ» و «و فِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَ الْوَرَاثَةُ» است. حضرت در ادامه فرمودند:

«الآن إِذْ رَجَعَ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ وَ نُقِلَ إِلَى مُنْتَقَلِهِ»

الآن که من خلافت را به دست گرفتم حق به اهلش برگشت و به جایگاه خودش که خداوند و پیغمبر اکرم معرفی کرده بود برگشت.

در رابطه با اینکه «الْحَقُّ» چیست، بنده تنها به نکاتی اشاره کنم، سپس ان شاء الله در جلسات بعد مفصل آن را مطرح خواهیم کرد. کلمه «الْحَقُّ» چیست؟! آیا حق انتخاب و اولویت است یا حق انتصاب و افضلیت است؟! این دو نظریه است.

ما معتقدیم ولایت و امامت و جانشینی امیرالمؤمنین انتخاب خداوند است و اولویتی است که خداوند به این بزرگواران عطا فرموده است.

(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خود آنها اولی است.

سوره احزاب (33): آیه 6

ما شاید بیش از چندین روایت صحیح داریم که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خطاب به امیرالمؤمنین فرمودند:

«يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدِي وَ أَنْتَ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 36،

ص 351، ح 221

رسول گرامی اسلام فرمودند: تو هم به مؤمنین از خودشان اولویت داری. حضرت در ادامه فرمودند که بعد از تو امام حسن و بعد از او امام حسین تا حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) را نام برده‌اند.

بحث اولویت که از طرف خداوند عالم برای پیغمبر اکرم در آیه ششم از سوره مبارکه احزاب تثبیت شده است، نبی گرامی اسلام آن را برای امیرالمؤمنین و ائمه اطهار هم تثبیت کرده‌اند.

بحث دیگر هم حق انتصاب است مبنی بر اینکه آیا مردم باید آن بزرگواران را انتخاب کنند یا ائمه اطهار منصوب خداوند عالم هستند.

اهل سنت عمدتاً بر این عقیده هستند که بحث، بحث انتخاب است. در مقابل، ما معتقدیم که بحث انتخاب نیست، بلکه انتصاب است. اگر هم بحث انتخاب باشد، انتخاب خداوند متعال و پیغمبر اکرم است نه انتخاب مردم!

ما یک آیه در قرآن کریم نداریم که شما امام یا خلیفه را انتخاب کنید. این در حالی که خداوند نسبت به حضرت آدم می‌فرماید:

**(إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً)**

من در روی زمین جانشین و حاکمی قرار خواهم داد.

**سوره بقره (2): آیه 30**

همچنین نسبت به حضرت داود می‌فرماید:

**(إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ)**

ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم.

سوره ص (38): آیه 26

همچنین نسبت به حضرت ابراهیم می‌فرماید:

(إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)

من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم.

سوره بقره (2): آیه 124

در تمام این آیات، «جعل» به خداوند عالم نسبت داده شده است. حضرت موسی هم که می‌خواهد برادرش را خلیفه کند، از خداوند عالم می‌خواهد او را را وزیرش قرار دهد.

حضرت موسی نمی‌فرماید که من هارون را وزیر خود قرار دهم یا به مردم نمی‌فرماید که شما وزیر انتخاب کنید.

ما یک روایت ضعیف و جعلی هم در کتب شیعه و سنی نداریم که پیغمبر اکرم فرموده باشد که بعد از من شما خلیفه را انتخاب کنید.

یعنی مسئله‌ای به این مهمی و دارای چنان اهمیتی که مایه اختلاف یک میلیارد و هشتصد میلیون جمعیت مسلمان دنیاست که به تعبیر آقای «شهرستانی»؛

«إِذْ مَا سَلَ سَيْفٌ فِي الْإِسْلَامِ عَلَى قَاعِدَةٍ دِينِيَّةٍ مِثْلَ مَا سَلَ عَلَى الْإِمَامَةِ فِي كُلِّ زَمَانٍ»

در همه دوران‌ها در هیچ امری در اسلام به اندازه امامت شمشیر کشیده نشده و خونریزی نشده است.

الملل والنحل، اسم المؤلف: محمد بن عبد الكريم بن أبي بكر أحمد الشهرستاني، دار النشر: دار المعرفة -

بيروت - 1404، تحقيق: محمد سيد كيلاني، ج 1، ص 24، باب المقدمة الرابعة



پیغمبر اکرم خلیفه‌ای انتخاب نفرموده باشد و فرموده باشد که خلیفه را خودتان انتخاب کنید. امکان ندارد پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین فرموده باشد که هرکسی را مردم انتخاب کردند، خلیفه بعد از من باشد.

تعبیر امیرالمؤمنین در «نهج البلاغه» خطبه 172 چنین است:

«وَإِنَّمَا طَلَبْتُ حَقًّا لِي»

این حق مخصوص من است.

حضرت به صراحت می‌فرماید که اگر من مطالبه امامت می‌کنم، این حقی است که مخصوص من است و خداوند آن را برای من قرار داده است.

«وَ أَنْتُمْ تَحُولُونَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ»

و شما مانع این حق من هستید.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف‌الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 246، خ

172

اگر قرار بود انتخابی باشد، مردم علی بن ابی طالب را انتخاب نکردند و حضرت هم حقی ندارد که چنین فرموده باشد. در این صورت حضرت می‌تواند بفرماید که این حق من بوده است و چرا مردم مرا انتخاب نکردند؟! اصلاً این حرف برای یک فرد عادی هم زشت است.

در حال حاضر «ترامپ» به دنبال این است که اگر در انتخابات هم برنده نشد، در آمریکا فتنه‌ای همانند فتنه سال 1388 در ایران به پا کند و جنجال به راه بیندازد.

مردم شما را انتخاب نکردند. اگر مردم کسی را انتخاب نکرد، او حق ندارد بگوید که این حق من بوده است و حق من ضایع شده است. چندین نفر کاندید شدند و مردم حق دارند هرکسی را صلاح دیدند انتخاب کنند.

این حق مردم هست که رئیس جمهور مورد تأیید خود را انتخاب کنند و حق رئیس جمهور نیست. بنابراین امیرالمؤمنین که می‌فرماید:

«وَإِنَّمَا طَلَبْتُ حَقًّا لِي»

مراد حضرت حقی است که خداوند برای من گذاشته است. حضرت همچنین در ادامه خطبه 172 می‌فرماید:

«وَ أَجْمَعُوا عَلَيَّ مُنَازَعَتِي أَمْرًا هُوَ لِي»

شما در حکومتی که مخصوص من بود با من به نزاع برخاستید.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 246، خ

172

حضرت کلمه «أَمْرًا» را به کار می‌برد که به معنای امارت و حکومت است. حضرت همچنین در خطبه ششم می‌فرماید:

«فَوَاللَّهِ مَا زِلْتُ مَذْفُوعًا عَنْ حَقِّي مُسْتَأْتِرًا عَلَيَّ مِنْذُ قَبْضِ اللَّهِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»

به خدا سوگند از روزی که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفته است، همواره حق مرا غصب کرده‌اند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 53، خ 6

اگر بحث انتخاب مطرح بود، طرح چنین حرفی معنا ندارد. اگر بحث انتخاب مطرح بود، چنین استفاده می‌شد که مردم حضرت را انتخاب نکردند. مردم انتخاب نکردند.

یک نفر به امیرالمؤمنین بگوید که شما کاندید بودید، اما کسی شما را انتخاب نکرد. در این صورت دیگر حقی برای شما نیست.

ما چندین خطبه داریم که خود امیرالمؤمنین کلمه «حق» را به کار برده و می‌فرماید که این حق متعلق به من بوده است. حضرت در خطبه دوم می‌فرماید:

**«الآن إِذْ رَجَعَ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ»**

الآن حق به حقدار رسید.

این‌ها همگی نشانگر این است که خلافت و امامت و حکومت حق مسلم ائمه اطهار (علیهم السلام) و حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بوده است و آن هم با اعلان خداوند عالم و نبی گرامی اسلام.

حال ما مقدمه‌ای چیدیم که ان شاءالله در جلسه بعد ببینیم آیا در روایات شیعه و سنی این حق را خداوند عالم به امیرالمؤمنین داده باشد، روایاتی داریم یا خیر؟! ما در آن زمان مطرح می‌کنیم که وقتی پیغمبر اکرم می‌فرماید:

**«إنه مع الحق و أن الحق يدور معه حيثما دار»**

حق با علی است و علی با حق است. هرکجا علی برود، حق گرداگرد علی می‌چرخد.

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، نویسنده: ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، محقق / مصحح: ابراهيم، محمد ابوالفضل، ج 9، ص 88، باب اختلاف الفرق الإسلامية في كون الأئمة من

قربش

به این معناست که خدایا حق را گرداگرد علی بچرخان و مادامی که علی بن ابی طالب هست و هرکجا که می‌رود. حضرت نمی‌فرماید که شما حق را به علی بن ابی طالب بدهید، بلکه می‌فرماید: خدایا تو حق را گرداگرد علی بچرخان.

### مجری:

خیلی جالب و زیبا بود. دوستان خودشان دیدند که اگر در «نهج البلاغه» عبارات «امیرالمؤمنین + حق + مردم» را سرچ کنیم، در یک سری از خطبه‌ها هست.

حضرت در این خطبه‌ها فرمودند که مردم یک زمانی با عنوان مانع چنین حقی برای امیرالمؤمنین هستند و نه انتخاب کننده آن.

بسیار عالی و زیبا و قابل استفاده بود. ان شاءالله تفصیل آن را حضرت استاد قول دادند در جلسات آینده بفرمایند و ما ان شاءالله استفاده کنیم.

### تماس بینندگان برنامه:

عزیزانی پشت خط هستند و بعد از آن هم به پرسش‌های دوستانی که جلسات پیش تماس گرفتند و فرصت نشد به سؤالاتشان بپردازیم، پاسخ خواهیم داد. آقای نقیبی از مشهد پشت خط هستند. در خدمتتان هستیم و صدایتان را می‌شنویم:

بیننده (آقای نقیبی از مشهد - شیعه):

سلام علیکم خدمت استاد آیت الله قزوینی عزیز و مجری گرامی.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

شهادت امام حسن عسکری را تسلیت عرض می‌کنم و آغاز امامت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را تهنیت عرض می‌کنم.

حاج آقا دو مطلب داشتم و می‌خواستم از فرمایشاتتان استفاده کنم و بعد از آن دو سؤال داشتم. من آنها را پشت سر هم عرض می‌کنم. من دوست دارم بعد از اینکه سؤالات تمام شد و شما پاسختان را فرمودید، روی خط باشم.

مطلب اول ما در مورد مسئله‌ای است که برخی از آقایان جدیداً تمام علمای شیعه، اهل تسنن و مخالفین را کافر می‌دانند. ما می‌خواهیم بگوییم که شیعه هیچگاه بر چنین باوری نبوده است که بخواد مخالفین را کافر بداند.

فرض بر این بوده است که تمام شیعیان و علمای شیعه قائل به کفر ظاهری و باطنی اهل تسنن هستند و تنها شخص خودشان قائل بر اسلام ظاهر و باطن آنها هستند.

آقایی که چنین حرفی زده است، تنها خود قائل به این است که مخالفین شیعه کافر ظاهری و باطنی هستند. این در حالی است که اصلاً چنین نیست. اگر چنین بود که اصلاً باید ذبیحه اهل تسنن باید حرام می‌شد، ازدواج با آنها باید حرام می‌شد.

همین دو مطلب نشان بر این است که هیچکدام از علما قائل بر این نیستند که مخالفین شیعه حکم به کفرشان شود. خصوصاً نظر شیعیان در مورد اهل سنت چنین است.

نظر شخصی بنده هم همین است اهل تسنن که اینگونه محبت اهل بیت را در دلشان دارند و خود را ملتزم به رعایت مسائل اسلام می‌دانند، شاید از بسیاری شیعیان در ورود به بهشت جلوتر باشند. روی صحبت ما تنها خلفا و بعضی از صحابه صدر اسلام است.

مطلب دوم که مرتبط با بحث امشب شما در خصوص امامت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین بود مطلبی در اینجا ایجاب می‌کند که خدمت شما عرض می‌کنم.

این ممکن است عقیده خودم نباشد، اما بسیاری از شیعیان چنین عقیده‌ای داشته باشند. این در خصوص اعیاد نهم ربیع هم هست.

شما می‌فرمایید و درست هم همین است که خلافت بلافصل متعلق به امیرالمؤمنین است و از طرف دیگر می‌فرمایید که این خلافت توسط دیگران غصب شده است. این به این معناست که دشمنی با امیرالمؤمنین بوده است.

از طرف دیگر ما در ایام احتفال مولد النبی که ایام آن هم نزدیک است می‌گوییم که گرچه حدیثی از جانب پیغمبر اکرم نداریم که جشن گرفته شود و مجالس ذکر گرفته شود.

ما می‌گوییم از کلیت آیات و روایاتی که تکریم از آن برداشت می‌شود چنین برداشتی می‌کنیم که می‌توانیم چنین مجالسی برگزار کنیم. این نه تنها دلیل بر جواز هست، بلکه استحباب هم هست که مجالس ذکر اهل بیت و رسول الله می‌شود.

حال این حرف را چطور در مجالس لعن نگوییم؟! ما می‌دانیم که در آنجا غصب انجام شده است، حال آنکه ما روایاتی در خصوص لعن هم داریم حتی افضل از صلوات هم دانسته شده است.

این همانند داستان خیاطی است که دو لباس برای امام صادق (علیه السلام) آورد که یکی را با ذکر لعن و دیگری را با ذکر صلوات دوخته بود. امام صادق فرمودند: لباسی که با لعن دوختی برای من افضل است.

در دین ما وارد شده است که نسبت به دوست و دشمن تولی و تبری داشته باشیم. قرآن کریم می‌فرماید: آنچه رسول الله آورده است را بگیرید و آنچه را که نهی کرده است از آن دوری کنید. در ادامه آیات تکریم آورده شده است.

در ادامه روایاتی در خصوص اهل بیت (علیهم السلام) آورده شده است که دوستی با آنها دوستی با خداوند و دشمنی با آنها دشمنی با خداوند است.

چطور ما به این مجالس خدشه وارد کنیم و اصلاً خصوص لعن گفتن و مجالس لعن را زیر سؤال ببریم؛ در حالی که اصلاً اینطور نیست.

ما عرض کردیم که ممکن است بسیاری از اهل تسنن حتی از شیعیان هم جلوتر باشند. لعن در خصوص خلفای صدر اسلام است. اهل سنت هم خلفایشان را الهی و منصب آنها را منصب الهی نمی‌دانند.

بر فرض شیعه گفت خلیفه فلان کار را کرده است یا صحابه فلان کار را کرده است. شیعه گفته خود را از روایات گرفته است، نه اینکه بخواهد بغضی داشته باشد.

شیعه از روایات به این رسیده است که خلیفه فلان کار را کرده است، به همین خاطر مستوجب لعن و دشمنی و غضب است. این چه اشکالی دارد؟! شیعه خلاف دین را هم انجام نداده است.

### مجری:

بسیار خوب، ان شاءالله پاسخ شما را خواهیم داد. از تماستان بسیار ممنونیم. صحبت بیننده دیگری را هم بشنویم و ان شاءالله برمی‌گردیم و پاسخ شما را می‌دهیم. آقای عباسی از تهران پشت خط هستند. در خدمتتان هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای عباسی از تهران - شیعه):

سلام علیکم. وقت شما بخیر. ضمن عرض تبریک به مناسبت ایام نهم ربیع خدمت جنابعالی و کارشناس محترم برنامه همچنین بینندگان محترم و عزیز.

می‌خواستم بدانم که من سؤال را مطرح کنم و کارشناس محترم صحبت می‌کنند یا اینکه آخر برنامه پاسخ می‌دهند؟!

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ما همین الآن پاسخ خواهیم داد. ما این دو تلفن را گرفتیم و همین الآن پاسخ می‌دهیم و در خدمت شما هستیم.

**بیننده:**

ممنون و متشکرم. سؤال من از حضرتعالی این هست که درباره مطلق لعن و سب نظر جنابعالی چیست؟ بنده می‌خواستم نظر جنابعالی را بدانم تا سؤالات بعد را هم خدمت شما مطرح کنم.

**تفاوت «لعن» و «سب» در آموزه های مکتب تشیع چیست؟**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

«سب» به معنای حرف‌های رکیک به کار بردن و حرف‌هایی است که اراذل و اوباش به کار می‌برند. ما به کار بردن این الفاظ را «سب» می‌گوییم و «سب» در قرآن کریم نهی شده است، آنجا که می‌فرماید:

**(وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ)**

(معبود) کسانی را که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید مبدا آنها (نیز) از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند.

**سوره انعام (6): آیه 108**



خداوند متعال می‌فرماید که شما حتی نسبت به بت پرستان حق سب کردن ندارید، اما در خصوص لعن کردن خداوند عالم در قرآن کریم حدود سی و چهار یا سی و پنج مورد کلمه لعن را به کار برده است.

خداوند عالم شیطان را لعن کرده است، یهود را لعن کرده است، نصاری را لعن کرده است، ظالمین و دروغگویان را هم لعن کرده است.

فرق «لعن» با «سب» این است که لعن طلب از خداوند متعال است برای دور کردن آن فرد از رحمت خودش. یک مرتبه من می‌گویم که خدایا به جناب آقای عباسی رحمت عنایت کن و به او فرزند بده. گاهی اوقات هم می‌گویم خدایا فرزند فلان شخص را از او بگیر یا او را مورد عذاب قرار بده.

در مورد لعن کردن ما از خداوند عالم طلب می‌کنیم و این فرق بین لعن و سب است. در رابطه با لعن عرض کردم ما بیش از سی مورد در قرآن کریم لعن داریم.

حال در خصوص جلسات لعن که عزیزمان جناب آقای نقیعی هم مطرح کردند، اگر ما بعد از نماز یا در قنوت نماز دشمنان اهل بیت را لعن کنیم هیچ اشکالی ندارد و کسی مانع آن نیست.

شما به کتاب «تهذیب الأحکام» اثر «شیخ طوسی» جلد دوم صفحه 321 مراجعه کنید که در روایتی آمده است:

«سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ وَهُوَ يَلْعَنُ فِي دُبُرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةً مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعًا مِنَ النِّسَاءِ»

شنیدیم که امام صادق (علیه السلام) بعد از نماز چهار تن از مردان و چهار تن از زنان را لعن می‌کردند.

«التَّيْمِيُّ وَ الْعَدَوِيُّ وَ فُغْلَانٌ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَسْمِيهِمْ وَ فُلَانَةَ وَ فُلَانَةَ وَ هِنْدَ وَ أُمَّ الْحَكَمِ أُخْتِ مُعَاوِيَةَ»

تهذیب الأحکام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج 2،

امام صادق نه در مسجد و جلسات عمومی بلکه بعد از نماز دشمنان اهل بیت را لعن می‌کردند. شما می‌توانید مخالفین و دشمنان اهل بیت را لعن کنید. اهل سنت هم دشمنان اهل بیت را لعن می‌کنند.

حال در خصوص اینکه مصداق کیست، ما نباید مصداق معین کنیم. در زیارت عاشورا که تندترین عبارت‌ها آمده است، نامی برده نشده است بلکه چنین می‌فرماید:

**«اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَ ابْدَأْ بِهِ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِي ثُمَّ الثَّلَاثِ وَ الرَّابِعِ»**

### فرازی از زیارت عاشورا

کلمه «الرَّابِعِ» در این زیارت برای حفظ کردن خون شیعیان است. ما بارها با آقایان در عربستان سعودی در این خصوص بحث می‌کردیم.

آن‌ها می‌گفتند مراد از «أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِي ثُمَّ الثَّلَاثِ» در زیارت عاشورا ابوبکر و عمر و عثمان است. بنده گفتم: بنابراین نستجیر بالله مراد از «الرَّابِعِ» هم باید علی بن ابی طالب باشد!!

مشاهده کنید ائمه اطهار (علیهم السلام) چکار کردند. بنده عرض کردم که شما یک روایتی برای ما بیاورید که امام صادق (علیه السلام) در یک جلسه‌ای که ده تن از شیعیان هم آنجا بودند، شروع به لعن کردند.

شما روایتی بیاورید که یکی از ائمه اطهار بالای منبر لعن کرده باشند یا امیرالمؤمنین در طول پنج سال خلافت خود لعن کرده باشد.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در زمان خلافت خود بالای منبر حقایق را بیان کردند، نقد کردند، خطبه شششقیه را بیان کردند، خطبه 150 «نهج البلاغه» یا نامه 53 «نهج البلاغه» را مطرح کردند.

حضرت بسیار واضح کار خلفا را نقد کردند، انتقاد کردند و مطالب را خیلی واضح نسبت به خلفا مطرح کردند. حال اینکه حضرت فرموده باشند خدایا فلانی را لعنت کن یا فلانی را لعنت کن در «نهج البلاغه» یا دیگر منابع وارد نشده است.

اگر شما در یک جا سراغ دارید که حضرت امیرالمؤمنین در خطبه‌ای خلفا را مورد لعن قرار داده‌اند، برایمان بیان کنید. ما تابع امیرالمؤمنین هستیم و حرفی نداریم.

**بیننده:**

حضرت استاد! شما فرمودید که «لعن» با «سب» تفاوت دارد. من در فرمایشات امام حسین (علیه السلام) که در روز عاشورا نسبت به سپاه دشمن بیان فرمودند، مطلبی شنیدم که خیلی برایم جالب بود. حضرت فرمودند:

**«أَلَا إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ»**

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 45،

ص 9، ح 2

شما معنای این عبارت را می‌دانید. آیا این جزو سب محسوب می‌شود یا خیر؟!

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

اگر کسی شراب می‌خورد، ما می‌گوییم که او شراب خورده است. کسی که قطعاً زنازاده است و همه هم می‌دانند که او زنازاده است، اگر من گفتم که او زنازاده است آیا خلاف است؟! خیر!

در مقابل اگر ما در کوچه و بازار به هرکسی که می‌رسیم، بگوییم: "ای حرامزاده!" این اشتباه است. اگر امام حسین خطاب به یزید و امثال او؛

**«إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ الْقَلَةِ [السَّلَةِ] وَ الدَّئَةِ»**

را به کار می‌برد، صفتی رایج بوده است. آقای «زمخشری» در کتاب «ربیع الأبرار» نقل کرده است که وقتی معاویه به دنیا آمد، چهار نفر ادعا می‌کردند که ما پدر او هستیم. این صفتی نیست که تنها ما بخواهیم در این زمینه مطرح کنیم.

اولاً باید سند عبارت «إِنَّ الدَّعِي ابْنَ الدَّعِي» را بررسی کرد تا ببینیم که آیا سند دارد یا خیر. همچنین در تعبیر دیگری آمده است که امیرالمؤمنین خطاب به «اشعث بن قیس» می‌فرماید:

**«حَايِكَ بِنَ حَايِكَ مُنَافِقَ بِنَ كَافِرٍ»**

**مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح:**

**مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج 13، ص 98، ح 14886**

به عنوان مثال کسی در جامعه به این صفت اشتهار دارد یا مشهور به دزد است و همگان می‌دانند که او دزد است. اگر صفتی مشهور باشد، آقایان فتوا دادند که بیان این صفت نه خلاف شرع است و نه غیبت است و نه بهتان است.

**بیننده:**

حضرت استاد سؤال بنده در مورد مطلق لعن و سب بود.

**مجری:**

حضرتعالی اصل سؤال خود را سریع‌تر بفرمایید، زیرا عزیزان دیگری هم هستند و سؤالات زیادی هم به دست ما رسیده است و حضرت استاد باید به سؤالات پاسخ بدهند.

**بیننده:**

بنده سؤالات را فهرست وار عرض می‌کنم و استاد ان شاءالله در آخر پاسخ بدهند. سؤال بنده در خصوص مطلق لعن و سب بود که حضرت استاد فرمودند سب برای اراذل و اوباش است. ما عرض کردیم که امام حسین در روز عاشورا آن عبارت را بیان فرمودند.

استاد مطرح کردند که اگر کاشف به عمل بیاید کسی حرامزاده یا زنازاده است یا فلان مشکلی را دارد، ذکر این صفت برای او ایرادی گرفته نمی‌شود.

عزیزان می‌توانند بیابند در این تلویزیون از کتب مخالفین اثبات کنند که فلان شخص و فلان شخص و فلان شخص حرامزاده هستند و در کتب خودشان هم هست و حضرت استاد خودشان هم مطلع هستند.

#### مجری:

استاد فرمودند بحث واضحی بوده و چیزی نبوده است که کسی بخواهد کشف جدیدی انجام دهد، بلکه مطلب واضحی را می‌فرماید.

#### بیننده:

الآن اگر ما بیاییم با توجه به کتبی که مخالفین دارند اثبات کنیم که عده‌ای از این افراد از نظر نطفه مشکل دارند و حرامزاده هستند، آیا توهین به مقدسات آن‌ها می‌شود یا خیر؟!

اگر توهین به مقدسات آن‌ها می‌شود، عده‌ای فرمودند که توهین به مقدسات حرام است. حال به چه سبب حرام است؟ به سبب اینکه عده‌ای برای آن قداست قائل هستند.

شما می‌بینید که خداوند متعال در قرآن کریم بنی اسرائیل را لعن می‌کند به واسطه اعمالی که داشتند یا به واسطه نپذیرفتن پیغمبر خودشان.

امروزه اگر قوم یهود از ما بپرسند که در قرآن شما ما لعن شدیم یا خیر، ما باید چه جوابی بدهیم؟! ما باید جواب بدهیم که شما لعن نشدید یا سانسور کنیم؟!

### مجری:

آقای عباسی با توجه به اینکه حضرت استاد هم پاسخ حضرتعالی را فرمودند و البته عزیزان دیگری هم پشت خط هستند، بنده پاسخی بسیار مختصر خدمت شما عرض می‌کنم.

ما در قرآن کریم موارد متعددی داریم که نسبت به همسران برخی از پیامبران تعبیر شده است که آنها از بدترین زنان بودند و به راحتی در بسیاری از موارد آنها کافر خطاب شده‌اند.

مسلم است به کسی که مشرک و کافر است و طبیعتاً نجس العین است بخواهیم چنین نسبتی را بدهیم، بسیار بدتر از این است که بخواهیم برخی دیگر از نسبت‌هایی با عنوان دشنام به برخی افراد بدهیم.

چیزی که مدنظر حضرت استاد بود و تأکید هم فرمودند، این بود که ما اگر زمانی بخواهیم سب کلامی را به کار ببریم که کلامی اراذل و اوباشانه باشد.

کلامی که وقتی بخواهیم بگوییم کسی بگوید این کلامی نیست که یک شاگرد امام صادق بخواهد چنین کلام و لفظی را بر زبان بیاورد. این کلام حضرت استاد بود و ان شاءالله همه دوستان هم قضاوت کردند و به این نتیجه رسیدند.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

به جهت اینکه بینندگان برای ما محترم هستند، بنده برای توضیح فرمایشات این عزیزمان همین عبارت «إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ بَيْنِ اثْنَيْنِ بَيْنَ الْقَلَةِ [السَّلَةِ] وَ الدَّلَّةِ» را بررسی می‌کنم تا ببینیم چه کسانی آن را نقل کرده‌اند.

آقای «ابن نما حلی» متوفای 645 هجری در کتاب «مثیر الاحزان» باب «المقصد الثانی فی وصف موقف النزال وما یقرب من تلك الحال» این عبارت را نقل کرده است، اما هیچ سندی ندارد تا جایی که ایشان می‌نویسد:

«إلا وان الدعی بن الدعی قد ركز بین اثنتین السلة والذلة وهیہات منا الذلة»

مثیر الأحزان، نویسنده: ابن نما الحلی، ص 40، باب المقصد الثانی فی وصف موقف النزال وما یقرب

من تلك الحال

همچنین آقای «ابن شعبه حرانی» در کتاب «تحف العقول» این مطلب را نقل کرده است. ایشان هم متوفای قرن چهارم هجری است و شاید از «ابن نما» جلوتر است. ایشان هم هیچ سندی برای این روایت ذکر نکرده است و این روایت به صورت مرسل آمده است.

وقتی روایتی به صورت مرسل آمد و سندی ندارد، درست نیست ما آن را ملاک قرار دهیم آن هم برای یک مسئله اعتقادی!!

علاوه بر این الآن من از شما سؤالی می‌پرسم. ما فریضه‌ای واجب‌تر از نماز در احکام الهی نداریم و نماز یکی از اصول دین است. اگر شما در جایی بروید و نماز بخوانید به طوری که نماز خواندن شما باعث شود چند تن از شیعیان را بکشند.

من از شما سؤال می‌پرسم و می‌توانید از مراجع عظام تقلید استفتاء کنید. سؤال من این است که اگر من به جایی بروم و نماز بخوانم و همین باعث شود چند تن از شیعیان کشته شوند یا به چند تن از شیعیان هتک حرمت شود، حکم نماز خواندن من چیست؟

اگر فتوا دادند که بروید نماز بخوانید ولو شیعیان را هم بکشند اشکالی ندارد، ما تسلیم هستیم.

بنده عرض کردم که تبری را از تولی مهم‌تر می‌دانم. اگر تبری نباشد، تولی معنا ندارد. اگر شما «لا إله» نگویید و تنها «إلا الله» بگویید، هزار بازم بگویید فایده‌ای ندارد. کفار هم «الله» می‌گفتند.

**(وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ)**

هر گاه از آنها بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده، و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟ می‌گویند: الله.

**سوره عنكبوت (29): آیه 61**

آن‌ها هم «الله» را می‌گفتند، اما در کنار «الله» افراد دیگری را هم می‌آوردند و آنها را هم عبادت می‌کردند.

**(مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى)**

و دلیلشان این بود که اینها را نمی‌پرستیم مگر به خاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند.

**سوره زمر (39): آیه 3**

تا زمانی که من «لا إله» نگویم، «إلا الله» مفهوم پیدا نمی‌کند. تا زمانی که تبری نداشته باشم، تولی من معنا پیدا نمی‌کند.

مشکل ما این است که آیا این تبری باید اظهار شود؟! آیا باید در شبکه، مسجد، روی منابر یا در جلسات این تبری را اعلام کنیم ولو اینکه چند تن از شیعیان هتک حرمت شود یا خیر؟! ما فتوای آیت الله العظمی بهجت را بارها برای عزیزانمان عرض کردیم.

ایشان می‌گویند: اگر شما در قم و تهران و مشهد و شیراز جلسه عیدالزهراء بگیرید و به مقدسات اهل سنت توهین کنید و آن طرف دنیا به خاطر این کار به یک شیعه هتک حرمت شود یا خون از دماغ یک شیعه بیرون بیاید شما در آن شریک هستید.



این فرمایش مراجع عظام تقلید ماست. ما که نمی‌توانیم بگوییم برخلاف نظر مراجع باید بیاییم یک بحث جدیدی باز کنیم. من در خدمت شما هستم.

**مجری:**

خیلی ممنون و متشکرم. همچنین تشکر می‌کنیم از آقای عباسی که این سؤال را مطرح کردند. سؤالات زیادی به صورت متنی به دست ما رسیده است.

**آیا علمای شیعه معتقد به کفر اهل سنت هستند!؟**

البته آقای نقیبی یک صحبتی را در ابتدا داشتند و آن راجع به این بود که اخیراً برخی از علما به برخی از علمای شیعه نسبت دادند که آنها خیلی از مخالفین را محکوم به کفر ظاهری و کفر باطنی می‌دانستند. البته خودشان جوابی دادند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

فرمایش ایشان فتنه‌ای درست کرده است. حتی شنیدیم که حکومت هم با ایشان برخورد کرده است، اما اینکه تا چه اندازه جدی بوده معلوم نیست.

فرمایش ایشان که به کفر ظاهری یا باطنی بخواهند تشبیه کنند، بحثی است که ایشان می‌گویند: هیچ فقیهی نیست، حال آنکه این دروغ محض است. ما رسماً می‌گوییم اینکه بگویند تمام فقها فتوا به کفر ظاهری و باطنی داده‌اند، دروغ است.

جواب استفتایی که دو هفته قبل از دفتر آیت الله العظمی سیستانی شده است، این است که ایشان می‌گویند: ما معتقد هستیم که اهل سنت هم ظاهراً و هم باطناً مسلمان هستند و معتقد به کفر ظاهری و باطنی آنها نیستیم.

در فضای مجازی این قضیه مفصل نقل شده است که یکی از بزرگان نجف نقل می‌کند که من همین امروز از دفتر آیت الله العظمی سیستانی سؤال کردم و ایشان چنین پاسخی دادند.

شما به سایت ایشان هم مراجعه کنید تا این استفتاء را ملاحظه کنید. کلیپ این استفتاء هم موجود است، اما فرصت انتشار آن نیست.

همچنین امام خمینی، مقام معظم رهبری و دیگر فقهای ما بر این عقیده هستند. چنین نیست که شما ادعا کنید هیچ فقیهی نیست!

وقتی شخصی همانند آیت الله العظمی سیستانی صراحتاً می‌فرماید که ما به طهارت ظاهری و باطنی اهل سنت معتقدیم، مسئله تمام است و نباید دیگر دنبال این باشیم که مته به خشخاش بگذاریم.

ما فرمایش ایشان را صددرصد تکذیب می‌کنیم و اعلام می‌کنیم که فرمایش ایشان منطبق بر فتاوی فقها نیست.

یک سری اخباریون همانند «صاحب حدائق» و دیگران که افرادی تندرو بودند چنین حرف‌هایی داشتند.

در مقابل «صاحب جواهر» این قضیه را نقد کرده است. آیت الله العظمی خوئی در کتابشان فرمایش ایشان را نقد کردند. امام خمینی در کتاب «مکاسب» و «بیع» خود این قضیه را نقد کردند و با نقدهای تند فقهایی ما مواجه بوده است.

**مجری:**

همین یک نقد کافی است که تمام شاکله این صحبت به هم بریزد. آقای حسینی از فارس پشت خط هستند. آقای حسینی صدایتان را می‌شنویم و در خدمت شما هستیم:

**بیننده (آقای حسینی از فارس - اهل سنت):**

سلام علیکم.

**مجری:**

علیکم السلام.

**بیننده:**

حاج آقا خسته نباشید، حالتون خوب است؟!

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ممنون و متشکرم.

**بیننده:**

بنده خود اهل سنت هستم، اما خیلی دوست دارم همیشه بین تشیع و اهل سنت وحدت ایجاد شود. بنده روی توحید خیلی حساس هستم.

در میان برنامه‌ها، شعرها و سروده‌هایی که می‌شنوم همگی اسم «علی» و «حسین» می‌آید، اما تا به حال سرودی نشنیدم که در آن کلمه «الله» باشد.

من کاری به آن هم ندارم و با سب خلفا هم مشکلی ندارم. این قضیه مشکلی ایجاد نمی‌کند، زیرا پانصد سال است که فحش می‌دهند و بازهم فحش بدهند اشکالی ندارد.

حرف من اینجاست که چرا تشیع در قسمت توحید مشکل دارد؟ بنده همه برنامه‌ها را می‌بینم، اما کلمه «الله» را نمی‌بینم. بنده می‌گویم اگر ده درصد اسم «الله» را بیاورند کافی است.

امامان سرور ما هستند و به قدری عزیز هستند که اصلاً نیازی به گفتن آن نیست. دعوی ما بر سر کلمه «الله» است.

آیا «یا علی» گفتن، شرک است!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقای حسینی بنده سؤالی از شما دارم. در کتاب «البدایة و النهایة» اثر «ابن کثیر دمشقی» متوفای 774 هجری جلد ششم صفحه 324 روایتی نقل شده است.

«وكان شعارهم يومئذ يا محمدا»

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف – بیروت، ج 6، ص 324، فصل فی خبر مالک بن نويرة الیربوعی التمیمی

چرا آنها «یا الله» نمی‌گفتند؟! این بدان معناست که آنها توحید نداشتند؟! این‌ها هم صحابه هستند و جنگ یمامه در زمان ابوبکر است.

همچنین در کتاب «طبقات الکبری» اثر «ابن سعد» روایت دیگری آمده است. در این روایت در شرح حال «عبدالله بن عمر» پسر خلیفه دوم آمده است:

«فخدرت رجله»

پاهایش خشک شده بود و نمی‌توانست آنها را تکان دهد.

«فقلت یا ابا عبد الرحمن ما لرجلك»

من گفتم: ای ابو عبدالرحمن پاهایت را چه شده است؟

«قال اجتمع عصبها من هاهنا هذا في حديث زهير وحده»

او گفت: عصب پاهایم آنچنان گرفته است که نمی‌توانم تکان بخورم.

«قال قلت ادع أحب الناس إليك»

من گفتم: محبوب‌ترین اسم را نزد مردم صدا کن.

«قال يا محمد فبسطها»

او "یا محمد" گفت و عصب پاهایش باز شد.

الطبقات الكبرى، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصرى الزهرى، دار النشر: دار صادر -

بيروت -، ج 4، ص 154، باب ومن بنى عدى بن كعب

حال اگر یک شیعه هم «یا علی» بگوید، چه اشکالی دارد؟! «عبدالله بن عمر» چنین به رسول اکرم متوسل می‌شود.

همچنین در کتاب «المصنف» اثر «ابن ابی شیبیه» استاد «بخاری» آمده است که «بلال بن حارث» کنار قبر رسول الله می‌آید و می‌گوید:

«يا رسول الله استسق لأمتك فإنهم قد هلكوا»

او خدمت خلیفه دوم آمد و خلیفه دوم هم به او نگفت که چرا شما «یا الله» نگفتید و کنار قبر پیغمبر اکرم طلب باران کردید. در مقابل او بسیار هم خوشحال شد و گفت:

«فبکی عمر»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 6، ص 356، ح

32002

عمر بن خطاب از اینکه پیام داده بود، خوشحال هم شد. همچنین در رابطه با قضیه نابینایی که خدمت رسول گرامی اسلام می‌آید، روایتی با سند صحیح از «عثمان بن حنیف» نقل شده است.

در روایت آمده است که مرد نابینایی خدمت پیغمبر اکرم آمد و عرضه داشت: چشم نابینا شده است. از خداوند بخواه چشم نابینا شده است. حضرت به او فرمود: برو دو رکعت نماز بخوان و بگو؛

«يَا مُحَمَّدُ اسْتَشْفِعُ بِكَ عَلَى رَبِّي فِي رَدِّ بَصَرِي اللَّهُمَّ فَشَفِّعْنِي فِي نَفْسِي وَشَفِّعْ نَبِيِّي فِي رَدِّ بَصَرِي»

کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ج 1، ص 275، وفي الباب آثار عن السلف أكثرها ضعيفة

جناب آقای حسینی چرا ایشان «یا الله» نگفتند؟!

مجری:

فرصت هم بسیار محدود است و قطعاً آقای حسینی هم از عزیزان اهل سنت بودند و تماس گرفتند.

عزیزان اهل سنت که مشتاقانه پای برنامه می‌نشینند و مشاهده می‌کنند، خودشان بقیه برنامه‌ها و بقیه میان برنامه‌ها را هم ببینند که دارای مباحث توحیدی و عترت است.

مبانی شبکه و مبانی اصلی تمامی مسلمین بر همین استوار است که جناب استاد هم فرمودند حدیث:

«كتاب الله وعترتي اهل بيتي»

المعجم الأوسط، اسم المؤلف: أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبرانی، دار النشر: دار الحرمين - القاهرة -

1415، تحقیق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسينی، ج 4، ص 33، ح

3542

چه در بین اهل سنت و چه در میان شیعیان این مسئله اجماعی است و ما هم طبیعتاً بنابر همین عمل می‌کنیم.

حال اگر کسی بخواهد به صرف اینکه گاهی اوقات از «الله» نام برده شود و گاهی اوقات از عترت نام برده شود متهم کند، قضاوت را به عهده خودتان می‌گذاریم که طبیعتاً کار اشتباهی است.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

مثلاً آقا سعید می‌گفت: "من شیعه هستم، اما شیعه «یا علی» نیستم!" ما از این آقایان می‌خواهیم که شما سنی باشید.

جناب آقای حسینی به این روایت هم دقت کنید. در کتاب «معجم الصغیر» اثر «طبرانی» متوفای 360 هجری روایتی در این زمینه آمده است. ایشان در حقیقت هزار و صد سال قبل این روایت را آورده است.

در روایت آمده است که در زمان عثمان کسی می‌خواست نزد عثمان برود، اما به او اجازه نمی‌دادند. «عثمان بن حنیف» به او گفت به مسجد برو و به پیغمبر اکرم توسل داشته باش. او کنار قبر رسول الله آمد و عرضه داشت:

«یا محمد إني أتوجه بك إلى ربك»

الروض الدانی (المعجم الصغير)، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر:  
المكتب الإسلامي، دار عمار - بيروت، عمان - 1405 - 1985، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد شكور  
محمود الحاج أمير، ج 1، ص 306، ح 508

اگر بنا باشد «یا علی» گفتن شرک و خلاف توحید باشد، «یا محمد» هم شرک است و فرقی نمی‌کند.

«ذهبی» شاگرد «ابن تیمیه» در کتاب خود آورده است که یکی از علمای بزرگ اهل سنت در حرم نبی گرامی اسلام به پیغمبر اکرم متوسل شد و گفت: یا رسول الله! فرزندم گم شده است. فرزندم را به من برگردان. من از اینجا نمی‌روم تا فرزندم بیاید.

فرزند او آمد و همه مردم شروع به صلوات فرستادن و تکبیر گفتن کردند. همچنین در روایت دیگر نقل شده است که شخصی می‌گفت: فرزندم گرسنه بود و از گرسنگی نمی‌توانست بخوابد. من گفتم: یا رسول الله! ما مهمان تو هستیم.

او نقل می‌کند که حرفم تمام نشده بود که دیدم در مسجد را زدند. شخصی آمد و طبقی از انواع غذاها آورد.

راوی می‌گوید از او پرسیدم: شما از کجا متوجه شدید که ما گرسنه هستیم؟! شخص گفت: پیغمبر اکرم به خواب من آمد و گفت مهمانی در مسجد داریم که گرسنه هست.

اگر اینطور قضایا توسط علمای اهل سنت به وفور نقل شده است. اگر قرار باشد «یا علی» و «یا حسین» گفتن را شرک بدانیم، بخش عظیمی از صحابه و علمای اهل سنت را باید مشرک بدانید.

بنده خدمت آیت الله العظمی صافی بودم. ایشان نقل می‌کردند که من در مسجد النبی با یکی از علمای اهل سنت بحث می‌کردم. او به من گفت: شما چرا «أشهد أنّ علیاً ولی الله» می‌گویید؟!



من گفتم: آیا شما معتقد هستید که علی ولی خداست یا معتقدید که علی عدو خداست؟! او گفت: ما معتقدیم که علی ولی خداست. من گفتم: اگر شما معتقد هستید، ما هم می‌گوییم «أشهد أن علياً ولي الله». او هیچ جوابی نداشت.

عزیز من این حرف‌ها دیگر تکراری شده است. ما انتظار نداریم عزیزان ما تحت تأثیر سلفی‌ها و وهابی‌ها قرار بگیرند و حرف‌های بی‌اساس را مطرح کنند.

**مجری:**

البته ایشان هم از اهل سنت بودند. بارها و بارها هم اشاره شده است که اهل سنت حقیقی هم برخلاف وهابیت توسل و استغاثه را کاملاً می‌پذیرند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

اصلاً من از آقای حسینی سؤالی دارم و تقاضا دارم که جلسه بعد به من پاسخ بدهد. همچنین آقا سعید جلسه بعد به این سؤال من پاسخ بدهند. در قرآن کریم بنی اسرائیل به حضرت موسی عرضه می‌دارند:

**(يا مُوسَى اذْعُ لَنَا رَبِّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرَّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَ لَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ)**

ای موسی از خدایت برای ما بخواه به عهده‌ی که با تو کرده رفتار کند، اگر این بلا را از ما مرتفع سازی قطعاً به تو ایمان می‌آوریم و بنی اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد.

**سوره اعراف (7): آیه 134**

حضرت موسی نفرمود که شما مشرک هستید. حضرت نفرمودند که شما باید «یا الله» بگویید و «الله» باید عذاب را از شما برطرف کند. این آیه قرآن کریم است. شاید شما به روایت اشکال کنید، اما آیه قرآن کریم را چکار می‌کنید؟!

## مجری:

بسیار عالی. پاسخی کاملاً متقن از حضرت استاد شنیدیم. متأسفانه وقت بسیار محدود است. ان شاءالله  
سؤالات دیگر عزیزان را هم در جلسات آینده مطرح خواهیم کرد.

یکی از درخواست‌های بسیاری که داشتند، این است که جهت رفع همه مشکلات مخصوصاً مشکلات مدنظر  
دعا بفرمایید.

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را به آبروی حضرت محمد و آل محمد، حضرت امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه زهرا، امام حسن عسکری  
و حضرت ولی عصر سوگند می‌دهیم فرج حضرت ولی عصر حجة بن الحسن را نزدیک بگردان و ما را از یاران  
خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده.

خدایا قلب نازنین حضرت بقية الله الأعظم را از ما راضی بگردان و چشمان گنهکار ما را با دیدن جمال نورانی  
حضرت ولی عصر منور بگردان.

خدایا به آبروی حضرت محمد و آل محمد و به اسماء حسنایت سوگند می‌دهیم رفع گرفتاری از جمیع گرفتاران  
بنما.

عزیزان ما اعم از شیعه و سنی در ایران و دیگر کشورها که گرفتار بیماری نحس کرونا هستند. خدایا این بلا و  
بیماری را از همه مردم به ویژه مسلمانان و شیعیان برطرف بگردان.

خدایا حوائج ما و حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» و حوائج بینندگان عزیز به حق  
حضرت فاطمه زهرا سریعاً برآورده نما. خدایا دعاهاى ما را به اجابت برسان. والسلام علیکم و رحمة الله و  
برکاته

مجری:

ان شاء الله که تمام این درخواستها مورد استجابت درگاه احدیت قرار بگیرد. ان شاء الله در برنامه‌های آینده در محضر شما خواهیم بود. خدانگهدار شما

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته